**تصحیح لازم**

تنها-بدون گاوها!آری،کاش اجازه نمی‏داشتیم امیدوار باشیم که هیچ چیز مفقود نمیشود!اما از ته دل امیدواریم که گاوهایمان جلوتر از ما رفته باشند،که خودشان رراه را پیدا کنند،که هیچکدام‏ بین راه گم نشوند،خیر،آنها منتظر ما هستند،آنجا،جائیکه همه چیز و همه کسانی که ما تصور میکردیم گم شده‏اند جمع میشوند.»

من شانه زدن و برس کشیدن را فراموش کرده بودم.صدایش خاموش شد.اگر این ماجرا سر راه من قرار نمیگرفت هرگز آنچه را که او میگفت نمی‏فهمیدم.این راه وحشتناک و این‏ ورود شادی بش بطویله.اما حالا او را می‏فهمیدم و فورا متوجه شدم که از مرگش صحبت‏ میکرد.مجددا غمگین شدم،اما این دفعه توأم با آرامش.شکم گرم براون را احساس میکردم‏ صدای جویدنش را می‏شنیدم،او بنظرم مانند خود زندگی جلوه میکرد،و من نمیخواستم‏ قبول کنم که پدرم که آنطرف ایستاده بود این زندگی را محکمتر در دست نداشت.

وقتی دو نفری وارد اطاق شدیم،کلیهء خواهر و برادرانم شروع بخندیدن و پرسش کردند. پس از آنکه پدرم،کوتاه و سبک،تقریبا تمام آنچه را که گذشته بود تشریح کرد مادرم با صدائی‏ که البته اثری از سرزنش در آن نبود گفت:«من که میگویم تو خیلی احمقی که با گاوی که‏ دمشرا در دستت بگذارند میرقصی!»

لیز گفت:«اما اگر فرد عالمی ار کار درآید،در مقر حکومت خوابش میبرد و مردم از او فرار میکنند!»پدرم در مقابل با لحنی بریده اظهار داشت که موعظه عالم نمیسازد و اضافه کرد که راهنمائی افکار و رؤیاها به چمنزار،مراقبت و تقویت آنها و برگرداندنشان بخانه خیلی‏ مشکل‏تر از انجام این امور در مورد گاوها است.و او ایمان داشت من بعنوان یک چنین پسربچه‏ چوپانی ساخته شده بودم.

تصحیح لازم

در شمارهء گذشتهء متأسفانه حین طبع قصیدهء پروار اثر آقای دکتر رعدی اشتباهی رخ داده. خوانندگان محترم با مراجعه بآن شماره به نحو زیر اصلاح فرمایند:

1-در صفحه 230 در پایان مقدمه کلمات‏[ژنو-خرداد 1340(1862 میلادی)]زاید است.

2-متن صحیح بیت ما قبل آخر در صفحه 235 چنین است:

هندوی کیوان در عجب‏ پویان چو عیّاران به شب‏ تا نوشد اروی طرب‏ در بادهء بودا کند